

## خوانش فوکویی دو اثر جی. دی. سلینجر

شهاب بهادری نیا<sup>۱</sup>

زکریا بزدوده<sup>۲</sup>

### چکیده

مقاله حاضر به بررسی دو داستان روزی خوش برای موز ماهی و دوران آبی دو-دومیه اسمیت اثر جی. دی. سلینجر از منظر میشل فوکو می‌پردازد. سلینجر نویسنده‌ای آمریکایی است که آثارش توجه خوانندگان زیادی را در سراسر جهان به خود جلب کرده است. در این مقاله تلاش کرده‌ایم با تحلیل این دو اثر از دیدگاه فوکو، چگونگی کنترل کردن افراد در جامعه توسط قدرت و تأثیر آن بر روابط انسان‌ها و شکل دادن به این روابط را بررسی کنیم. مفهوم نهادهای تربیتی یا نهادهای اجتماعی که از مفاهیم اصلی نظریه فوکو است را در این دو داستان بررسی می‌کنیم. دیگر مفاهیم قابل بحث عبارتند از گفتمان، زیست-سیاست و قدرت. فوکو بر این باور است که نهادهای اجتماعی کنترل ذهن و جسم افراد را در اختیار گرفته و آن‌ها را شکل می‌دهند. در داستان روزی خوش برای موز ماهی، نهاد اجتماعی بیمارستان، گفتمان پزشکی و کاربرد آن در طبقه‌بندی افراد به دو دسته عادی و غیرعادی و چگونگی تأثیرپذیری افراد از نهادهای اجتماعی را بررسی کرده‌ایم. در داستان دوران آبی دو-دومیه اسمیت کنترل قدرت بر رفتار و روابط مردم از طریق نهادها و نمایندگان‌شان را تحلیل کرده‌ایم.

واژگان کلیدی: سلینجر، نهادهای اجتماعی، گفتمان، زیست-سیاست، قدرت، فوکو.

دوره یازدهم، شماره ۱۵، پاییز و زمستان ۱۳۹۴

۱. دانشجوی کارشناسی ارشد دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکزی

shahbbahadori@ymail.com

۲. استادیار زبان و ادبیات انگلیسی دانشگاه کردستان

zbezododeh@gmail.com

## مقدمه

جی. دی. سلینجر<sup>۱</sup> (۲۰۱۰-۱۹۱۹) نویسنده‌ای آمریکایی است که در منهن رشد یافت. او داستان‌نویسی را با نوشتن داستان‌های کوتاه در دبیرستان آغاز کرد و تعدادی از آن‌ها را در مجله «داستان»<sup>۲</sup> به چاپ رسانید. در سال ۱۹۴۸ داستان روزی خوش برای موز ماهی<sup>۳</sup> در مجله «نیویورکر»<sup>۴</sup> به چاپ رسید. موفقیت ناتوردشت<sup>۵</sup> سبب توجه بیشتر منتقدان به آثار سلینجر شد.

روزی خوش برای موز ماهی نشانگر دنیایی فوکویی است که در آن می‌توان مثال‌هایی از گفتمان‌هایی<sup>۶</sup> که در جامعه وجود دارند و فوکو<sup>۷</sup> به آن‌ها اشاره دارد پیدا کرد. به عنوان مثال برچسب‌زدن به سیمور<sup>۸</sup> شخصیت اصلی داستان، غیرعادی خواندن او و رفتارهایش، توسط روان‌شناسان و در نهایت جداکردن او از خانواده و زندگی اجتماعی بیانگر وجود گفتمان‌ها و تأثیر آن‌ها بر افراد جامعه است. به علت وجود چنین گفتمان‌هایی است که اطرافیان سیمور او را عجیب، غیرعادی و حتی دیوانه می‌دانند و او را خطری بالقوه برای خود و جامعه می‌پندارند. از منظر گفتمان پزشکی<sup>۹</sup> سیمور با مردم و معیارهای جامعه هماهنگی ندارد و از جامعه فاصله گرفته است و از نگاه دیگران فردی غیر عادی، خارج از استانداردهای جامعه و بیمار قلمداد می‌شود و در نهایت پتانسیل بزهکار بودن را دارد.

در این داستان همچنین نقش زنان در نگهداری و حمایت از خانواده برای جلوگیری از آسیب‌دیدن توسط تهدیدات یا کسانی که ممکن است برای آن‌ها و جامعه خطر آفرین باشند قابل تأمل است. بدون شک قدرت از این نقش زنان سود می‌برد چرا که طبق نظریه فوکو در مورد زیست-سیاست<sup>۱۰</sup>، مادران و همسران باید از خانواده خود مراقبت کنند و در قبال کنترل کردن خانواده‌هایشان مسئولیت دارند تا آن‌ها افرادی سودمند برای جامعه باشند. بدن افراد برای قدرت<sup>۱۱</sup> به منزله منبع یا وسیله‌ای برای رسیدن به اهدافش است.

1.J. D. Salinger

2.Story

3.A Perfect Day for Bananafish

4.The New Yorker

5.Catcher in the Rye

6.Discourse

7.Michel Foucault

8.Seymour Glass

9.Discourse of Medicine

10.Biopolitics

11.Power

در داستان *دوران آبی دو* - دومیه اسمیت<sup>۱</sup> نهادهای اجتماعی وابسته به قدرت و افرادی که در آنها دارای مسؤولیت هستند، از جایگاه نمایندگان قدرت، تلاش می‌کنند افراد جامعه را کنترل کنند. در این داستان نهادی که مسؤولیت کنترل کردن خواهر ایرما<sup>۲</sup> را دارد صومعه‌ای است که در آن زندگی می‌کند. و پدر زیمرمان<sup>۳</sup> در مقام مسؤول صومعه، نماینده قدرت در نهاد، نیز برای کنترل کردن خواهر ایرما می‌کوشد، چرا که خواهر ایرما نباید در معرض چیزی که او را به بیراهه بکشاند باشد و این برای قدرت خطرناک است.

بررسی‌های مختلفی بر روی کتاب *نه داستان*<sup>۴</sup> صورت گرفته است. به زعم اسمیت<sup>۵</sup> از نظر موضوعی *نه داستان* در جایی بین امید و افسردگی قرار دارد، بین چیزی که سلینجر آن را «عشق و نکبت» می‌نامد. این دو کرانه، امید و ناامیدی، در داستان‌های سلینجر گاهی اوقات به هم می‌پیوندند به عنوان مثال تلفیق مشکل روحی سیمور با معصومیت کودکانه‌اش نشانگر این موضوع است (۶۴۰). از طرفی لیونز<sup>۶</sup> در مورد سیمور یکی از شخصیت‌های داستان *روزی خوش برای موز ماهی* می‌گوید که در این داستان سیمور به مثابه هر چیزی غیر از فردی عادی معرفی شده است اما این همان هدف سلینجر است که می‌خواهد سیمور را از زاویه‌ای دیگر به عنوان فردی رمانتیک و ایده‌آل نشان دهد. او همچنین ادعا میکند که سلینجر دنیای سیمور را در مقابل او و بی‌ارزش نشان می‌دهد (۷). همچنین راسل<sup>۷</sup> در «از دومیه تا اسمیت»<sup>۸</sup> می‌گوید که داستان *دوران آبی دو* - دومیه اسمیت بیانگر این مطلب است که سلینجر از دنیای کنترل‌شده ذهن جدا شده است و ترکیبی ظریف ایجاد می‌کند و می‌توان ارتباطی بین داستان‌هایش پیدا کرد (۲). از آن جمله می‌توان به مفهوم تنهایی که در بیشتر داستان‌هایش وجود دارد اشاره کرد.

### نهادهای اجتماعی و گفتمان در داستان *روزی خوش برای موز ماهی*

نظم چیزی است که قدرت به کار می‌گیرد تا رفتار مردم در جامعه را تعدیل کند و

1. De Daumier Smith's Blue Period

2. Sister Irma

3. Zimmermann

4. Nine Stories

5. Dominic Smith

6. John O. Lyons

7. John Russel

8. "From Daumier to Smith"

این امر با استفاده از نظام مراقبتی<sup>۱</sup> پیچیده میسر می‌گردد. باور فوکو بر این است که نظم راهی برای اعمال قدرت است. طبق آنچه فوکو در کتاب *مراقبت و تنبیه*<sup>۲</sup> بیان می‌کند نهادهای تربیتی<sup>۳</sup> یا همان نهادهای اجتماعی «مانند میکروسکوپی هدایت‌کننده عمل می‌کنند که با تقسیم‌بندی‌ای که توسط این نهادها بین مردم صورت می‌گیرد به وسیله‌ای برای دیدن، ثبت‌کردن و تعلیم مردم تبدیل می‌شوند و نوعی سیستم مخفی برای کنترل هستند» (۱۷۳). تمرکز تمامی این نهادها بر کنترل مردم و اعمال قدرت بر آن‌ها است. داناهر<sup>۴</sup> بر این باور است که نهادهای تربیتی به نهادهای به‌وجود آمده در اروپا در قرن نوزدهم اشاره دارد. به عنوان مثال زندان‌ها، مدارس و سربازخانه‌ها کنترل بدن و ذهن ساکنان‌شان را در دست می‌گرفتند و آن‌ها را طبق فرایندهای انضباطی و تا حدی با اجبار شکل می‌دادند (X).

داستان *روزی خوش برای موز ماهی* نشان می‌دهد که چگونه تشخیص‌های روان‌پزشکانه،<sup>۵</sup> کنترل افرادی که رفتارهای غیر قابل قبول و برخلاف عرف جامعه از خود نشان می‌دهند را تسهیل می‌کند. سیمور از بیمارستان ترخیص شده است اما افرادی که رفتارهای او را می‌بینند یا در جریان آن‌ها قرار می‌گیرند، که از آن میان می‌توان به روانپزشکان اشاره کرد، بر این باورند که سیمور نباید از بیمارستان ترخیص می‌شد، چرا که رفتارها و اعمال او بیانگر این است که او همچنان از لحاظ روحی بیمار است و کارهایی انجام می‌دهد که برخلاف استانداردهای جامعه است و می‌تواند برای دیگران خطرآفرین باشد. در این داستان دکتر سیوتسکی<sup>۶</sup> و رایزر<sup>۷</sup> هر دو نمایندگان بیمارستان همانند نهادهای اجتماعی که نظم را برقرار می‌کنند هستند و تلاش می‌کنند دیگران از جمله میوریل<sup>۸</sup> همسر سیمور، را متقاعد کنند که مشکل او همچنان پابرجاست و می‌تواند به دیگران آسیب وارد کند.

این روانپزشکان به چیزی که می‌گویند باور دارند و این نشان می‌دهد که آن‌ها خود نیز در این نهادها رشد و زندگی کرده‌اند و آنچه را که از این نهادها فرا گرفته‌اند بازگو می‌کنند. آن‌ها درست همان‌گونه که از ایشان انتظار می‌رود رفتار می‌کنند. بدون

1. System of Surveillance

2. Discipline and Punish

3. Disciplinary Institutions

4. Geoff Danaher

5. Psychiatric Diagnosis

6. Sivetski

7. Reiser

8. Muriel

شک رفتار سیمور در مقایسه با دیگر افراد جامعه غیرعادی است و مطابق هنجارهای اجتماعی نیست اما باید بدانیم که این هنجارها را نهادهای اجتماعی تعریف کرده‌اند و ما دیگران را با این معیارها که در اختیار داریم ارزیابی می‌کنیم و فردی را که طبق این استانداردها رفتار نمی‌کند غیر عادی می‌دانیم.

در جایی از داستان سی بل<sup>۱</sup>، دختر کوچکی که به همراه سیمور به کنار دریا رفته است، از سیمور راجع به موز ماهی سؤالاتی می‌پرسد که سیمور این‌گونه به او جواب می‌دهد:

آن‌ها، موز ماهی‌ها، زندگی غم‌انگیزی دارند، می‌دونی چیکار می‌کنند، سی بل؟  
سی بل سرش را تکان داد.

خوب آن‌ها به داخل سوراخی پر از موز شنا می‌کنند.

آن‌ها تعداد زیادی موز می‌خورند.

به طور طبیعی بعد از خوردن آن همه موز خیلی چاق می‌شوند و نمی‌توانند که از سوراخ بیرون بیایند (سلینجر ۸).

نهادهای اجتماعی را که مردم به آن‌ها وارد می‌شوند یا در معرض آن‌ها قرار می‌گیرند می‌توان با سوراخ پر از موز در این داستان مقایسه کرد. هنگامی که افراد وارد این نهادها می‌شوند با حجم زیادی از اطلاعات و دانشی که البته برای قدرت مفید است مواجه می‌شوند و از آن‌ها تأثیر می‌گیرند و دیگر با افراد اولیه تفاوت دارند. نهادها افراد را به گونه‌ای تعلیم می‌دهند که دیگر نمی‌توانند از چارچوب‌های این نهادها خارج شوند و باید طبق قواعد و قوانین این نهادها رفتار کنند و اگر خلاف آن‌ها عمل کنند افرادی غیرعادی تلقی می‌شوند و دیگران در صدد کنترل آن‌ها بر می‌آیند.

مانکریف<sup>۲</sup> به نقل از کالتر<sup>۳</sup> و اینگلبی<sup>۴</sup> می‌گوید «تشخیص روانپزشکانه به مثابه یک عامل سیاسی است که تنظیم مقررات مختلف اجتماعی برای کنترل‌کردن و مراقبت از افرادی که رفتارشان باعث ایجاد مشکل برای خودشان یا دیگران می‌گردد را موجب می‌شود» (۱۵). می‌توان روانپزشکان و بیمارستان‌ها را عوامل قدرت برای کنترل‌کردن افراد در جامعه در نظر گرفت. او همچنین می‌گوید تشخیص‌هایی که توسط روانپزشکان

1.Sybil

2.Joanna Moncrieff

3.Coulter

4.Ingelby

صورت می‌گیرد دارای نقشی مهم در سازمان یا نهاد است که به واکنش‌های اجتماعی نسبت به رفتارهای خاص مشکل‌ساز کمک می‌کند و این یک قدم ضروری در پزشکی‌سازی<sup>۱</sup> جامعه است (۱۷). یکی از تأثیراتی که نهادهای اجتماعی بر فردی که در آن‌ها قرار می‌گیرد دارند این است که فرد بتواند به غیر از خود دیگران را نیز کنترل کند. روانپزشکی موضوعی است برای کنترل افراد غیرعادی توسط نهادهای اجتماعی. فوکو در مورد گفتمان در «نظام گفتمان<sup>۲</sup>» می‌گوید:

در هر جامعه‌ای تولید گفتمان به طور هم‌زمان کنترل، انتخاب، سازماندهی و در بین مردم توسط رویه‌هایی مشخص که نقش آن‌ها محافظت و حمایت از قدرت است و برای تسلط بر وقایع هستند منتشر می‌شود (۵۲).

گفتمان پزشکی نیز به کنترل هر چه بهتر افراد کمک می‌کند. در این داستان می‌بینیم که چگونه افراد تحت تأثیر همین گفتمان تلاش می‌کنند سیمور را کنترل کنند. در کتاب مراقبت و تنبیه، فوکو توضیح می‌دهد که چگونه قدرت توسط نهادهای اجتماعی مردم را به دو دسته عادی و غیرعادی تقسیم می‌کند و با این تقسیم‌بندی آن‌ها را کنترل می‌کند. او اذعان می‌کند این:

جداسازی مداوم بین افراد عادی و غیرعادی، که هر فردی در معرض آن قرار می‌گیرد، یادآور جداسازی جذامی از دیگران است. وجود تمامی تکنیک‌ها و نهادها برای اندازه‌گیری، نظارت و تصحیح افراد غیرعادی یک ساز و کار انضباطی را به وجود می‌آورد (۱۹۹).

### نهادهای اجتماعی در داستان دوران آبی دو-دومیه اسمیت

در این داستان نیز همانند داستان قبلی، ما می‌توانیم ردپایی از نهادهای اجتماعی، که سعی بر این دارند تا مردم را به آنچه که قدرت می‌خواهد محدود کنند، در رفتار و روابط افراد، پیدا کنیم. صومعه‌ای که خواهر ایرما در آن زندگی می‌کند نهادی اجتماعی است که رفتار افراد ساکن در آن را شکل می‌دهد به ویژه رفتار راهبه‌ها را که نمایندگان آن هستند و باید مطیع باشند و تا دیگران را کنترل کنند و آن‌ها را نیز مانند خود مطیع قدرت

1. Medicalization

2. The Order of Discourse

سازند. اگر چه در این داستان می‌بینیم که خواهر ایرما کلاس‌هایی، برای آموزش دیدن در خارج از صومعه هم تجربه می‌کند که شاید چیزی جدای از آنچه که صومعه برای او در نظر گرفته است به نظر برسد اما او همچنان مطیع است و می‌توانیم فرمانبرداری و احترام او را نسبت به مسؤولیتش، که برای راهبه‌ها تعریف شده است، در واکنش او نسبت به آنچه که مقامات صومعه از او می‌خواهند یعنی ادامه ندادن کلاس‌های نقاشی ببینیم. در این مورد متمایز ما درمی‌یابیم که چگونه صومعه در مقام یک نهاد تربیتی در جامعه از گسترش یک رابطه عاطفی بین خواهر ایرما و اسمیت که می‌تواند برای اجتماع و آنچه که قدرت می‌خواهد مضر باشد جلوگیری می‌کند. با جلوگیری از به وجود آمدن این رابطه صومعه راهبه‌اش را کنترل می‌کند و خواهر ایرما به آسانی میپذیرد که کلاس‌ها را ادامه ندهد زیرا او می‌خواهد راهبه‌ای معمولی باشد.

فرمانبرداری را می‌توان در تمام جنبه‌های زندگی انسان دید و اطاعت نکردن به منزله امری غیرعادی تلقی می‌شود و این بدان معناست که فرد نافرمان دارای مشکل است و اگر دیگران چنین برداشتی نسبت به کسی داشته باشند در صدد کنترل آن شخص بر می‌آیند زیرا آن‌ها فکر می‌کنند برای انجام این کار دارای مسؤولیت هستند و این امر به خاطر این است که آن‌ها در نهادهای مختلفی بوده‌اند و چنین چیزی توسط نهادهای اجتماعی به آن‌ها القاء شده است.

سویرو<sup>۱</sup> در مقاله‌ای با نام «نقش اجتماعی و اقتصادی صومعه<sup>۲</sup>» می‌گوید زندگی در صومعه به معنی ترک دنیای غیرمذهبی، باور به کف نفس، پذیرش قوانین سخت اجتماعی و وقف خود در راه خدمت به خدا است. تمام وجوه موجودیت یک راهبه از نوع رفتار تا نوع پوشش همگی تعیین و عادی‌سازی شده است (۱۷). او همچنین معتقدست که زندگی در صومعه تجارب مختلف زیادی را، غیراز تجربه‌های خاص و مذهبی، در اختیار شخص قرار می‌دهد. برای بسیاری از زنان محبوس بودن در صومعه به معنی زندگی با محدودیت پرهیزکارانه و رد خویشتن نیست (۱۸). نمونه‌ای که در این داستان می‌توان برای تبیین کنترل صومعه بر هر آنچه که راهبه‌ها انجام می‌دهند به آن اشاره کرد شرکت خواهر ایرما در کلاس‌هایی غیر از کلاس‌های صومعه است که البته خود صومعه به او پیشنهاد کرده است اگرچه چگونگی شرکت او در این کلاس‌ها را صومعه کنترل و محدود می‌کند. آن‌ها در حقیقت این باور را به اعضای خود می‌قبولانند

1. Susan A. Soeiro

2. "The Social and Economic Role of Convent"

که آن‌ها آزاد هستند و حق انتخاب دارند، اما در واقع آن‌ها تحت کنترل هستند و به گونه‌ای که مطلوب قدرت است رفتار می‌کنند چرا که قدرت نیاز دارد این افراد آن‌گونه که نهادها، در این مورد صومعه، می‌خواهند آموزش ببینند. هنگامی که مقامات صومعه به وجود نامه‌ای که اسمیت به خواهر ایرما نوشته است پی می‌برند به او اجازه ادامه کلاس‌ها را نمی‌دهند زیرا گمان می‌کنند که این کار سبب انحراف او از مسؤلیت اصلی او می‌گردد و این تهدیدی برای قدرت است.

مدارس، بیمارستان‌ها، ادارات پلیس، دانشگاه‌ها، صومعه‌ها و. همگی نهادهای اجتماعی هستند که عقاید و معیارهایی را در جامعه به وجود می‌آورند تا مردم را به سوژه‌ای برای قدرت تبدیل کنند و کاری را که فکر می‌کنند برای قدرت خوب و مفید است، البته در بیشتر موارد غیر آگاهانه، انجام دهند. خواهر ایرما نیز مسؤلیت‌هایی در قبال جامعه دارد و اگر کلاس‌های نقاشی با اسمیت را ادامه دهد ممکن است از وظایف خود به عنوان راهبه باز بماند چون ممکن است ادامه دادن کلاس‌ها منجر به رابطه‌ای بین او و اسمیت شود که باعث منحرف شدن او از مسیرش گردد و به همین دلیل است که پدر زیمرمان مانع او می‌شود.

دیویس<sup>۱</sup> مسؤلیت را این‌گونه تعریف می‌کند:

هنگامی که ما درباره مسؤلیت‌های فرد صحبت می‌کنیم منظور ما چیزی بیش از وظایف او نیست. از آنجایی که مسؤلیت‌های ما را دیگران برای ما تعیین کرده‌اند، معمولاً توسط مقامات یا کسانی که در رأس قدرت هستند، به نظر می‌رسد این وظایف نیازمند فرمانبرداری ما هستند (۸-۹).

در این داستان خواهر ایرما وظایفی دارد که باید انجام دهد و این وظایف را قوانین صومعه برای او تعیین کرده‌اند. اگر او کاری انجام دهد که خارج از شرح وظایف او باشد ممکن است از چارچوب اصلی قوانین صومعه خارج شود و باعث ایجاد صدماتی به قدرت گردد. او باید از این کار اجتناب کند زیرا قوانین نهادهای اجتماعی می‌گویند اگر فردی بخواهد برای جامعه و نهادی که در آن است مفید باشد باید قوانین را در نظر بگیرد و به آن‌ها عمل کند. اگرچه در ظاهر خواهر ایرما این موقعیت را دارد که در کلاسی متفاوت از آنچه که در صومعه است شرکت کند اما در واقع صومعه آن

1. Winston Davis



را برای او انتخاب کرده است و او این اختیار را ندارد که کلاس‌ها را ادامه دهد و به محض این که مقامات احساس می‌کنند که وظایف او در قبال جامعه در خطر است مانع ادامه آن می‌شوند و این یعنی اینکه آن‌ها فقط توهم مختار بودن را به خواهر ایرما می‌دهند. بنابراین به این نتیجه می‌رسیم که علائق و حتی هویت افراد جامعه را نهادهای اجتماعی شکل می‌دهند. همان‌گونه که بست<sup>۱</sup> و کلنر<sup>۲</sup> اذعان میدارند هدف نهایی نظم هنجارسازی، از بین بردن تمامی اختلالات اجتماعی و روانی و ایجاد فردی مفید و رام از طریق بازسازی بدن و ذهن او است (۵۰). برخلاف آنچه که به نظر می‌رسد و پیشنهادها و انتخاب‌هایی که این نهادها در اختیار جامعه قرار می‌دهند، افراد در انتخاب خود آزاد نیستند و دارای محدودیت‌هایی هستند و اگر قدرت و نمایندگانش بدانند که چیزی برخلاف مصلحت آن‌ها است و باعث می‌شود که افراد قابل کنترل نباشند سریعاً در صدد رفع آن بر می‌آیند و پیشنهادات خود را پس می‌گیرند.

### زیست-سیاست در روزی خوش برای موز ماهی

فوکو در تولد زیست-سیاست<sup>۳</sup> می‌گوید منظور او از کلمه زیست-سیاست تلاشی است، که از قرن هجدهم آغاز شده است برای عقلانی‌سازی مسائل به وجود آمده برای شیوه‌های حکومتی، یعنی روش عقلانی مدیریت تمامی مسائل مربوط به زندگی انسان‌های تشکیل‌دهنده جمعیت مانند: سلامت، بهداشت، میزان مولید، طول عمر، نژاد (۳۱۷). به عبارت دیگر، زیست-سیاست واژه‌ای است که فوکو آن را برای نشان دادن رابطه بین بدن انسان و نهادهای قدرت به کار می‌برد. زیست-سیاست به معنی مفهوم با روندی تاریخی است که در آن زندگی هدف راهبردهای سیاسی تلقی می‌شود. قدرت با توجه به بدن انسان‌ها از جنبه‌های مختلف وظایفی برای او تعریف می‌کند که توسط نهادهای اجتماعی به افراد جامعه تزریق می‌شود. به زعم دانا، زیست-سیاست به تکنولوژی‌ها، دانش، گفتمان‌ها و سیاست‌هایی که تولید منابع انسانی یک دولت را برعهده دارند دلالت دارد. زیست-سیاست انسان، بدن و رفتار را به عنوان سوژه قدرت تحلیل، تنظیم، کنترل و تعریف می‌کند (ix). به زعم لازاراتو<sup>۴</sup> زیست-سیاست هماهنگی استراتژیک روابط قدرت برای گرفتن قدرت مازاد از افراد جامعه است (۶). در این داستان

1. Steven Best

2. Douglas Kellner

3. *The Birth of Biopolitics*

4. Maurizio Lazzarato

هر یک از افراد دارای وظایفی هستند که در این جا بیشتر به زنان و مسئولیت‌هایشان پرداخته می‌شود.

سیمور نمونه مردی کامل و ایده‌آل از نظر قدرت نیست زیرا آنچه را که همسری مطیع قانون لازم است انجام دهد او نمی‌تواند عملی سازد و حتی با سوء رفتار می‌تواند به تهدیدی برای خانواده‌اش تبدیل شود. پدر و مادر میوریل تلاش می‌کنند از دخترشان محافظت کنند و به همین دلیل با روانپزشک نیز مسأله و مشکل روانی سیمور را مطرح می‌کنند و می‌خواهند به میوریل و دیگران بفهمانند که سیمور تهدیدی برای آن‌ها و جامعه است. آن‌ها این کارها را انجام می‌دهند چون فکر می‌کنند باید بر طبق آنچه که مسئولیت‌شان است و برای آن‌ها تعیین شده است عمل کنند. نقش آن‌ها و وظایف‌شان را در ابتدا نهادهای اجتماعی برای آن‌ها تعریف کرده‌اند و آن‌ها باید در مقام پدر و مادر از فرزندشان حمایت کنند. علیرغم تمام تلاش‌هایی که والدین میوریل انجام می‌دهند، به ویژه مادر او که هرچقدر می‌کوشد تا میوریل سیمور را رها کند، موفق نمی‌شوند تصمیم میوریل برای ماندن با سیمور را تغییر دهند. و این بدین خاطر است که میوریل خود نیز دارای نقشی حمایتی است و او هم باید وظیفه خود را به عنوان یک همسر انجام دهد. او می‌خواهد به سیمور کمک کند و او را به زندگی عادی برگرداند تا دیگر رفتار غیرعادی از خود نشان ندهد و به دیگران آسیب نرساند. در هر دو مورد چه میوریل و چه مادرش هر چه انجام می‌دهند نتیجه نمی‌دهد نه مادر میوریل می‌تواند از دخترش محافظت کند، چرا که میوریل به چیزهایی که او می‌گوید عمل نمی‌کند، و نه میوریل می‌تواند از سیمور محافظت کند. در پایان داستان می‌بینیم سیمور خودکشی می‌کند، و این نشانگر عدم توانایی زنان این داستان در اجرای وظایف‌شان است.

در بخش‌هایی از داستان می‌توانیم نشانه‌هایی از تلاش میوریل و مادرش برای مراقبت از خانواده‌هایشان را پیدا کنیم. به عنوان مثال هنگامی که میوریل در حال صحبت کردن با مادرش است. مادرش از او می‌خواهد به خانه برگردد و سیمور را رها کند زیرا پدر و مادر میوریل فکر می‌کنند سیمور ممکن است به دخترشان آسیب برساند:

میوریل، یه بار دیگه می‌پرسم. راستی راستی حالت خوبه؟  
برای صدمین بار، بله، مامان.  
خیال هم نداری بیای خونه؟

خیر مامان.

پدرت دیشب می‌گفت اگه تنهایی جایی رو پیدا کنی بری و مسائلو با خودت حل کنی، هزینه‌ی سفرتو از جون و دل می‌پردازه. به این ترتیب می‌تونی عالی سفر کنی. ما هر دو فکر کردیم. (ترجمه‌ی گلشیری ۲۷).

آن‌ها هر کاری می‌کنند ولی میوریل متقاعد نمی‌شود سیمور را تنها بگذارد. اگرچه میوریل سیمور را تنها نمی‌گذارد اما به اندازه کافی به او توجه ندارد و در بیشتر موارد رفتارهای غیرعادی او را نادیده می‌گیرد. در تمام لحظات حساسی که حضور میوریل می‌تواند به سیمور کمک کند جای خالی او مشاهده می‌شود و او نمی‌تواند از همسرش مراقبت کند و در نهایت هنگامی که او در خواب است سیمور دست به خودکشی می‌زند.

### نتیجه‌گیری

به نظر فوکو نهادهای اجتماعی مدرن بر خلاف ظاهر فریبنده خود سرکوب‌گرند و رابطه‌ها و نهادهای سرکوب‌گر نتیجه ضرورت تاریخی نیستند و می‌توان این رابطه‌ها و نهادها را تغییر داد. نهادهای اجتماعی از نظر فوکو جایگاه‌هایی عادی‌سازی برخی مسائل و هنجاربخشی در جامعه هستند. انسان‌ها هر یک به گونه‌ای با این نهادها که نظام سلسله‌مراتبی بر آن‌ها حاکم است در ارتباط هستند. نهادهای اجتماعی تلاش می‌کنند جامعه‌ای یک‌دست با افرادی تقریباً شبیه به هم، از نظر فکری، ایجاد کنند تا آنچه که مورد تمایل قدرت است حاصل شود و معمولاً قدرت و نهادهای اجتماعی وابسته به آن می‌کوشند تا قوانین و افکار عمومی را در راستای منافع خود تغییر دهند. از این رو کسانی که طبق قوانین و معیارهایی که توسط قدرت و نهادهای وابسته به آن به وجود آمده‌اند عمل نکنند افرادی غیر عادی تلقی می‌شوند و قدرت اسباب کنترل آن‌ها را فراهم می‌کند. هدف اصلی نهادهای اجتماعی از دیدگاه فوکو به‌هنجارکردن رفتار افراد جامعه و از بین بردن بی‌نظمی و در نهایت تربیت انسان مطیع و مفید برای قدرت است. به زعم او، هدف روش‌های انضباطی و مراقبتی به‌کار رفته در نهادهایی مانند مدارس، زندان‌ها، بیمارستان‌ها، پادگان‌ها و آسایشگاه‌های روانی این است که رفتار افراد مورد بررسی قرار گیرد و مانع از تکرار سوء رفتارها شوند و افراد را برای حضور در جامعه آماده سازند. کسانی که در این چارچوب‌ها عمل/رفتار کنند افرادی عادی و مقبول هستند و افرادی با رفتارهای نابهنجار و خارج از این چارچوب‌ها، غیر عادی هستند و باید

کنترل شوند. هر کدام از این نهادها دارای گفتمانی هستند یا سبب به وجود آمدن گفتمانی می‌شوند که در راستای عادی‌سازی و البته دسته‌بندی افراد به کار گرفته می‌شوند. سلینجر در داستان‌هایش به چگونگی اثرپذیری انسان‌ها از قدرت و نهادهای اجتماعی وابسته به آن اشاراتی دارد. او در داستان‌های ذکر شده رفتارهای غیرعادی، ارزش‌های خانوادگی و نقش زنان را برجسته می‌کند و نشان می‌دهد که قدرت چگونه از نقش زنان در جامعه برای کنترل دیگران بهره می‌برد. در مورد مفهوم زیست-سیاست فوکو معتقدست که حکومت از حالت قلمرویی به حکومت جمعیت تبدیل شده است به گونه‌ای که به وجود آمدن این نوع از حکومت به کشف فرد و بدن رام و تربیت‌پذیر منجر شده است و روش‌های سیاسی نیز بر آن استوار است. هدف قدرت این است که با استفاده از این شیوه و محول کردن مسئولیت‌ها به افراد جامعه با توجه به بدن آن‌ها میزان هزینه‌های خود چه اقتصادی، چه سیاسی یا اجتماعی را به حداقل برساند و بیشترین بهره را از آن‌ها بگیرد.

### منابع

- سلینجر. جی. دی. نه داستان. م. هوشنگ گلشیری. تهران: انتشارات ققنوس، ۱۳۸۷.
- Best, Steven and Douglas Kellner. *Postmodern Theory*. Guilford press: New York, 1991.
- Danaher, Geoff, Tony Schirato, and Jen Webb. *Understanding Foucault*. Pub. by Allen and Unwin: Australia, 2000.
- Davis, Winston. "Heaven's Gate: A Study of Religious Obedience." University of California Press, 2000. <<http://www.jstor.org/stable/10.1525/nr.2000.3.2.241>>. [Accessed:07/07/2014].
- Foucault, Michel. *Discipline and Punish*. Trans. by Alan Sheridan. Random house INC; New York, 1976.
- Foucault, Michel. "The Birth of Biopolitics: Lectures at the College De France, 1978-79." Ed. Michel Senellart General Editors: Francois Ewald and Alessandro Fontana English Series Editor: Arnold I. Davidson. Trans. Graham Burchell.
- Foucault, Michel. 'The order of discourse', in R. Young (ed.), *Untying the Text: A Post-structuralist Reader*, London: Routledge, Kegan and Paul, p.52. 1981.
- Lazzarato, Maurizio. "From Biopolitics to Biopower." Trans. Ivan A. Ramirez. Pub. In Pli the Warwick Journal of Philosophy. <<http://www.generationonline.org/c/fcbiopolitics.htm>>. [Accessed:07/09/2014].
- Lyons, John O. "The Romantic Style of Salinger's Seymour: An Introduction." University of Wisconsin Press, 1963. <<http://www.jstor.org/stable/1207185>>. [Accessed: 03/12/2013].
- Moncrieff, Joanna. "Psychiatric Diagnosis as a Political Device." Department of Mental Health Sciences, University College London, 2010.
- Russell, John. "Salinger, from Daumier to Smith." University of Wisconsin Press, 1963. <<http://www.jstor.org/stable/1207186>>. [Accessed:03/12/2013].
- Salinger, J.D. *Nine Stories*. N.p.: Little, Brown. Reprint ed. may, 1991.

- Smith, Dominic. "Salinger's *Nine Stories*: Fifty Years Later." EBSCO Publishing, 2003. <<http://www.ebscohost.com/ezproxy.spfldcol.edu>>. [Accessed: 05/02/2013].
- Soeiro, Susan A. "The Social and Economic Role of the Convent." Duke University Press, 2003. <<http://www.jstor.org/sici>>. [Accessed: 18/07/2014].